

هو المصور





تحوالات نمایشگاه هنرها

در سایه نظریه‌های یادگیری

تألیف:

دکتر زهرا رهبرنیا

دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهراء (س)

ویراست اول

سرشناسه	: رهبرنیا، زهرا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: تحولات نمایشگاهی هنرها در سایه نظریه‌های یادگیری / تالیف زهرا رهبرنیا، ویراستار ناصر احمدزاده.
وضعیت ویراست	: [ویراست؟]
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه الزهرا (س)، انتشارات، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۹ص: مصور (بخشی رنگی).
شابک	: ۹۰۰۰۰ ریال: 978-622-6114-88-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: هنر -- نمایشگاه‌ها
	Art -- Exhibition
	یادگیری
	Learning
	ساختارگرایی (هنر)
	Constructivism (Art)
	هنر چند رسانه‌ای
	Multimedia (Art)
	چندرسانه‌ای‌های تعاملی
	Interactive multimedia
شناسه افزوده	: دانشگاه الزهراء، انتشارات
شناسه افزوده	: Alzahra University press
رده بندی کنگره	: N۴۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۷۰۷/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۹۹۳۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



تحولات نمایشگاهی هنرها در سایه نظریه های یادگیری

تألیف: دکتر زهرا رهبرنیا (دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهرا(س))

انتشارات: دانشگاه الزهرا (س)

کارگاه صفحه آرایی و طراحی جلد: لوگو گرافیکال

چاپ و صحافی: چاپ دیجیتال نیکو

ویراستار: دکتر ناصر احمدزاده

نوبت چاپ: اول / ویراست اول

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: 978-622-6114-88-2

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

سال نشر: بهار ۱۴۰۱

شماره تماس واحد فروش: ۰۲۱-۸۸۰۴۸۹۳۴-۸۵۶۹۲۸۳۹-۰۲۱

سامانه فروش الکترونیکی: <http://book.alzahra.ac.ir>

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای دانشگاه الزهرا(س) محفوظ است.

کتاب کمک آموزشی درس «زبان و بیان در هنر جدید»

مقطع دکتری پژوهش هنر - دانشگاه الزهرا

کتاب کمک آموزشی درس «آموزش هنر جدید»

مقطع کارشناسی ارشد نقاشی - دانشگاه الزهرا

کتاب کمک آموزشی درس «گرایش‌های جدید در هنر»

مقطع کارشناسی ارشد پژوهش هنر - دانشگاه تهران

کتاب کمک آموزشی درس «رسانه های نوین بصری»

مقطع کارشناسی ارشد ارتباط تصویری - دانشگاه الزهرا

کتاب کمک آموزشی درس «بررسی تطبیقی آموزش هنر در ایران و جهان»

مقطع کارشناسی ارشد پژوهش هنر - دانشگاه الزهرا

کتاب کمک آموزشی درس «موزه و آموزش»

مقطع کارشناسی ارشد موزه داری دانشگاه هنر

کتاب کمک آموزشی درس «علوم تربیتی و موزه»

مقطع کارشناسی موزه داری دانشگاه هنر

فهرست مطالب

۱۷	پیش‌گفتار
۲۱	مقدمه
۲۹	فصل اول: نمایشگاه‌های هنری
۳۰	۱-۱. تاریخچه نمایشگاه‌ها
۳۱	۱-۱-۱. سیر نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی
۳۸	۱-۲. نمایشگاه‌های هنری داخلی
۴۲	۱-۳. نمایشگاه‌های هنری بین‌المللی
۴۶	۲-۱. نمونه‌هایی از نمایشگاه هنری در فضای باز و ناپایداری در سده گذشته
۴۸	۳-۱. مفهوم هنر
۴۹	۴-۱. اهداف نمایشگاه‌های هنری
۵۰	۵-۱. تغییرات اهداف نمایشگاه‌های هنری با آغاز دوره پسامدرن
۵۱	۶-۱. مواجهه متفاوت رویکرد مدرن و پسامدرن با نمایشگاه‌های هنری
۵۷	۷-۱. کلیت نمایشگاه به‌عنوان اثر هنری، کیوریتور به‌مثابه هنرمند
۵۸	۸-۱. فرایند منجر به رویداد هنری در نمایشگاه‌ها
۵۹	۹-۱. خروج نمایشگاه‌ها از فضای بسته گالری‌ها و تعامل با مخاطبان: هنرمندمحور یا مشارکتی
۵۹	۹-۱-۱. هنر زمینی خارج از نمایشگاه
۶۱	۱۰-۱. ناپایداری هنرهای تعاملی و اقتصاد هنر
۶۲	۱۱-۱. حقوق معنوی هنرمند، همکاران و شرکت‌کنندگان در هنرهای جمعی و تعاملی
۶۶	۱۲-۱. نشر اثر فراتر از گالری‌ها، از هر جا و در هر زمان
۶۷	جمع‌بندی فصل اول
۷۰	منابع فصل اول
۷۳	فصل دوم: نظریه‌های یادگیری مرتبط با محمل‌های هنری
۷۴	۱-۲. نظریه‌ها
۷۷	۲-۲. نظریه رفتارگرایی
۷۸	۳-۲. نظریه شناخت‌گرایی
۷۹	۱-۳-۲. آسیب‌های رویکردهای عینیت‌گرا در محدودیت یادگیرنده به دنیای برنامه‌ریز درسی
۸۰	۲-۳-۲. ابزار دیجیتال و اختلالات یادگیری
۸۲	۳-۳-۲. یادگیری آنلاین برای مردان و زنان
۸۲	۴-۳-۲. یادگیری منفعل و اطلاعات‌محور، معطوف به معلم با ترجیح نتیجه به فرایند
۸۴	۴-۲. نظریه ساخت‌گرایی یا ساختن‌گرایی یا سازنده‌گرایی
۸۷	۵-۲. نظریه مخروط یادگیری ادگار دیل و توجه به ابزار کمک‌آموزشی یا چندرسانه‌ای ساده
۹۰	۶-۲. نظریه هوش‌های چندگانه هاوارد گاردنر
۹۵	۷-۲. نظریه ریچارد مایر درباره چندرسانه‌ای‌ها
۱۰۰	۱-۷-۲. نقش چندرسانه‌ای‌ها در یادگیری و پیام‌رسانی

- ۱۰۳ ۲-۷. مدل یادگیری تقاضامحور (مبتنی بر فناوری الکترونیکی)
- ۱۰۳ ۲-۸. تفاوت ابزارهای نسل وب ۱ و نسل وب ۲ در تعاملات دنیای مجازی
- ۱۰۶ ۲-۹. اصول چندرسانه‌ای ون مرینبور و کستر
- ۱۰۷ ۲-۱۰. نقش تعامل در یادگیری مشارکتی و پیام‌رسانی
- ۱۰۸ جمع‌بندی فصل دوم
- ۱۱۲ منابع فصل دوم

۱۱۵ فصل سوم: تأثیر و تأثر بین نظریه‌های یادگیری و نمایشگاه‌های هنری

- ۱۱۷ ۳-۱. آموزش و یادگیری به‌موازات کار هنری
- ۱۱۸ ۳-۲. بروز و ظهور مفهوم یادگیری در نمایشگاه‌های هنری
- ۱۱۹ ۳-۳. یادگیری مستقیم به روش غیرفعال، مشابه نمایشگاه‌های هنری سنتی
- ۱۲۰ ۳-۴. یادگیری دانش‌محور، معطوف به یادگیرنده، مشابه نمایشگاه‌های هنری فعال و تعاملی
- ۱۲۳ ۳-۴-۱. ماندگارسازی و ثبت واقعیت در هنرهای تعاملی به وسیله عکس و فیلم
- ۱۲۴ ۳-۵. مدرنیته و پسامدرنیته در نظریه‌های یادگیری و نمایشگاه‌های هنری
- ۱۲۸ ۳-۶. بسترسازی تکنولوژیکی دیجیتال برای ورود به عرصه هنر اشتراکی جدید
- ۱۲۹ ۳-۶-۱. تکنولوژی برتر چندرسانه‌ای برای یادگیری قوی‌تر
- ۱۳۰ ۳-۷. تفاوت‌های بین اثر و متن، اثر و فرایند اجرا، اثر و رویداد
- ۱۳۴ ۳-۸. تاریخچه نمایشگاه‌های مشارکتی، تعاملی
- ۱۳۹ ۳-۸-۱. یادگیری توسط کنش و واکنش در نمایشگاه‌های هنری تعاملی
- ۱۴۰ ۳-۸-۲. هنردرمانی گروهی به وسیله کنش و واکنش در نمایشگاه‌های هنری تعاملی
- ۱۴۲ ۳-۹. نظریه‌های یادگیری و تأثیرگذاری در رویدادهای هنری
- ۱۴۲ ۳-۱۰. نمونه‌های دهه‌های اخیر تحولات نمایشگاه‌های هنری ایران
- ۱۴۵ ۳-۱۰-۱. هفتاد هزار پرده
- ۱۴۸ ۳-۱۰-۲. عاشورا
- ۱۴۸ ۳-۱۰-۳. نوستالژیا
- ۱۵۱ ۳-۱۰-۴. بشقاب‌های ردیف شده روی زمین، یادآوری موضوعات آشنای گذشته
- ۱۵۱ ۳-۱۰-۵. سلف‌سرویس
- ۱۵۲ ۳-۱۰-۶. پرفورمنس کشتزار، برانگیختن تمامی مخاطبان به مشارکت
- ۱۵۵ ۳-۱۰-۷. فستیوال «سی پرفورمنس، سی هنرمند، سی روز»
- ۱۵۶ ۳-۱۰-۸. پنجمین فستیوال «سی پرفورمنس، سی هنرمند، سی روز»، برای ارتقای هر بازدیدکننده موزه به مقام مخاطب
- ۱۶۰ جمع‌بندی فصل سوم
- ۱۶۲ منابع فصل سوم

۱۶۵ فصل چهارم: هنرهای تعاملی مخاطب‌محور در نمایشگاه‌های هنری به‌مثابه محمل یادگیری

- ۱۶۷ ۴-۱. نمونه‌هایی از نمایشگاه‌های هنری مخاطب‌محور با قابلیت یادگیری فعال و یادگیرنده‌محور
- ۱۶۸ ۴-۱-۱. انعکاس و تجلی مادی احساس جاری شهر در «برج D» هلند، در قالب نور و رنگ

۱۷۴	۲-۱-۴. تسهیم معنای رقمی شدن و عددی شدن انسان امروز، بر پایه اینترنت (۰۱)
۱۷۷	۳-۱-۴. تبدیل احساس و حرکت مخاطبان به صدا با ابزار موسیقایی (ترافیک احساسی)، از طریق اینترنت
۱۷۹	۴-۱-۴. یادآوری فانی بودن زندگی و مبارزه با مشکل جهانی محیط زیست «بناهای یادبود زودگذر» یا «انسان‌های ذوب شونده» در چیدمان تعاملی
۱۸۳	۵-۱-۴. «تنش خانگی» یا «به یک عراقی شلیک کنید» (اثر تعاملی)
۱۸۵	۶-۱-۴. یادگیری پذیرش تفاوت‌های فرهنگی در «وقتی چیزی رخ نمی‌دهد»، در چیدمان شگفت‌انگیز ادویه‌جات معلق
۱۸۹	۷-۱-۴. «و به شماره...» (اثر تعاملی وفا بلال)
۱۹۳	۸-۱-۴. فروپاشی آفرینش فردی هنرمند، تکثیر و تفسیر معنا در «چه کسی از آزادی بیان می‌هراسد؟» با چیدمان تعاملی
۱۹۸	۹-۱-۴. حمایت از آزادی بیان و یک همکاری خلاقانه در «طراحی روی ماه»، متکی بر رسانه‌های نوین وب‌محور
۲۰۰	۱۰-۱-۴. سلامتی و رفع مشکلات ناشی از کم‌تحرکی در «پله‌های تعاملی»، با طراحی معمارانه
۲۰۵	نتیجه‌گیری
۲۰۹	منابع فصل چهارم

۲۱۱	پیوست: مجموعه پرسش‌های تشریحی و چندگزینه‌ای مهم کتاب
۲۱۲	الف) پرسش‌های تشریحی
۲۲۰	ب) پرسش‌های چندگزینه‌ای
۲۳۱	نماینه
۲۳۹	فهرست کامل منابع فارسی و انگلیسی

فهرست جداول

جدول ۱-۲. مقایسه نظریه‌های یادگیری رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و سازنده‌گرایی ۷۵

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۲. الگوی معلم محور ۸۳
- نمودار ۲-۲. هرم یادگیری ادگار دیل ۸۸
- نمودار ۳-۲. نمودار مبتنی بر هرم یادگیری ادگار دیل ۹۰
- نمودار ۴-۲. مبتنی بر نظریه هوش های چندگانه هاوارد گاردنر ۹۱
- نمودار ۵-۲. فرایند عملکرد نظام چندرسانه ای تعاملی ۱۰۸
- نمودار ۴-۱. «نمایشگاه هنری به مثابه محمل یادگیری» ۲۰۷

فهرست تصاویر

- تصویر ۱-۳. «باغ ایرانی»، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۸۳..... ۱۴۴
- تصویر ۲-۳. «هفتاد هزار پرده»، جزیره هرمز، ۱۳۸۸..... ۱۴۶
- تصویر ۳-۳. هنر مشارکتی «سلف سرویس»، ۱۳۸۸..... ۱۵۱
- تصویر ۴-۳. کشتزار، پرفورمنس تعاملی، ۱۳۹۰..... ۱۵۳
- تصویر ۵-۳. پوستر پنجمین فستیوال «سی پرفورمنس، سی هنرمند، سی روز»، ۱۳۹۴..... ۱۵۷
- تصویر ۶-۳. یکی از اجراهای فستیوال «سی پرفورمنس، سی هنرمند، سی روز»..... ۱۵۹
- تصویر ۱-۴. نورپردازی برج D به رنگ‌های مختلف، ۱۹۹۸..... ۱۶۹
- تصویر ۲-۴. نمایی از وبسایت برج D..... ۱۷۰
- تصویر ۳-۴. ترجمه وبسایت برج به زبان فارسی..... ۱۷۱
- تصویر ۴-۴. نمایی از برج D..... ۱۷۴
- تصاویر ۵-۴. حرکات بینندگان پروژه ۰۱، ۱۳۸۱..... ۱۷۵
- تصاویر ۶-۴. نمایش هم‌زمان انتقال نتایج عبور بینندگان پروژه ۰۱ (رسانه اینترنت)..... ۱۷۶
- تصویر ۷-۴. بناهای یادبود زودگذر، شامل مجسمه‌های یخی در سراسر جهان با نام «انسان‌های ذوب شونده»، ۲۰۰۵..... ۱۸۰
- تصویر ۸-۴. بناهای یادبود زودگذر یا ارتشی از انسان‌های ذوب شونده..... ۱۸۱
- تصاویر ۹-۴. بناهای یادبود زودگذر برای عینیت یافتن تفسیرهای مختلف..... ۱۸۲
- تصویر ۱۰-۴. اجرای «به یک عراقی شلیک کنید»، ۲۰۰۷..... ۱۸۵
- تصویر ۱۱-۴. «وقتی چیزی رخ نمی‌دهد»، ۲۰۰۸..... ۱۸۶
- تصویر ۱۲-۴. عطر آگینی کیسه‌ها در «وقتی چیزی رخ نمی‌دهد»..... ۱۸۷
- تصویر ۱۳-۴. فضای معطر با گرده‌های ادویه در «وقتی چیزی رخ نمی‌دهد»..... ۱۸۸
- تصویر ۱۴-۴. نقشه عراق بر پشت وفا بلال در «و به شماره...»، ۲۰۱۰..... ۱۹۰
- تصویر ۱۵-۴. وفا بلال به هنگام خالکوبی «و به شماره...»..... ۱۹۱
- تصاویر ۱۶-۴ و ۱۷-۴. «چه کسی از آزادی بیان می‌هراسد»، ۲۰۱۱..... ۱۹۴
- تصویر ۱۸-۴. نمونه‌ای از فرایند فروپاشی چیدمان «چه کسی از آزادی بیان می‌هراسد»..... ۱۹۵
- تصویر ۱۹-۴. اتمام فرایند تعامل در «چه کسی از آزادی بیان می‌هراسد»..... ۱۹۵
- تصویر ۲۰-۴. برگه‌های توضیحات در کاتالوگ نمایشگاه (توضیح زبانی از چگونگی فرایند تعاملی اثر)..... ۱۹۷
- تصویر ۲۱-۴. «طراحی روی ماه»، ۲۰۱۳..... ۱۹۸
- تصویر ۲۲-۴. پله‌هایی شبیه به کلیدهای پیانو در «پله‌های تعاملی»، ۲۰۱۳..... ۲۰۱
- تصویر ۲۳-۴. «پله‌های تعاملی» برای کودکان..... ۲۰۲

هنر و تجلیات آن، از همان روزهای آغاز تمدن بشری، پیوندی نزدیک با زندگی انسان‌ها داشته و مهم‌ترین ابزار ارتباطی میان آن‌ها بوده است. به تدریج، این پیوند و قرابت موجب ورود هنر به عرصه‌های مختلف زندگی از جمله ارتباطات و یادگیری شد؛ تا جایی که بدون امکانات برگرفته از دنیای هنر، پیشرفت‌های جوامع انسانی، غیرممکن می‌نماید.

خاستگاه و خواستگاه هنر، هر جا و هر چه باشد، به‌رحال هنر از قدیمی‌ترین و مؤثرترین پدیده‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان است. گویی هیچ بعدی از زندگی را نمی‌توان یافت که هنر به‌نوعی در آن نفوذ نکرده باشد و هیچ دوره‌ای نمی‌توان پیدا کرد که در آن، هنر در شکل‌دهی فرهنگی جامعه نقش ایفا نکند؛ برای نمونه، می‌توان از بعضی از نمایشگاه‌های دارای مضامین فرهنگی و اجتماعی نام برد که همواره با هدف تشویق اخلاق و رفتار عمومی مانند رعایت قوانین، حفظ محیط‌زیست، بهداشت عمومی و فردی، همبستگی‌های گوناگون جمعی، مشارکت در جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و هشدارهای اجتماعی برگزار شده است. این نمایشگاه‌ها، پیام‌رسانی به مخاطب و تأثیر بر وی را هدف می‌گیرند؛ زیرا هنر بدون مخاطب، ارزش بیرونی و اجتماعی خود را از دست می‌دهد. به همین جهت، هدف اصلی در این‌گونه نمایشگاه‌ها، جلب اعتماد مخاطب است تا مشارکت عمومی و پذیرش نظریات، گوشزدها و هشدارها تحقق یابد. این دسته از نمایشگاه‌ها، از آن جهت که کالا یا ایده سیاسی را ترویج نمی‌کنند، در انتظار برگشت مستقیم هزینه و سود نیستند؛ مانند ایده‌های انسان‌دوستانه که صاحبان این‌گونه آثار، در زمینه موضوعاتی مانند جمع‌آوری کمک‌های مردمی به افراد کم‌بضاعت یا گرفتار در سوانح طبیعی، بیماران خاص، کودکان یتیم، بی‌خانمان‌ها، اهدای خون و اعضا و دیگر کارهای عام‌المنفعه، بدون چشم‌داشت مالی فعالیت می‌کنند؛ به‌طوری‌که این‌گونه اهداف معنوی، پرنرنگ‌تر از اهداف مادی و سیاسی جامعه دنبال می‌شوند و در تمامی دوره‌ها، سابقه و رواج داشته‌اند.

این نمایشگاه‌ها در دوره مدرن نیز شکل گرفته‌اند، اما می‌توان هنر معاصر را- که مبتنی بر الگوی پسامدرن است- از ابعادی به‌عنوان هنری اجتماعی، میان‌رشته‌ای و مسئله‌محور توصیف کرد؛ به‌ویژه اینکه هنر معاصر مشخصه‌ای قطعی ندارد، به‌استثنای اینکه حتماً به نمایش درمی‌آید تا با روش‌هایی متمایز از دوره مدرن، بر مخاطبان تأثیر بگذارد و آن‌ها را برانگیخته سازد.

روش‌های مخاطب‌محور در نمایشگاه‌های هنری حاضر، کارآمدتر از روش‌های هنرمندمحورند و در حوزه‌های علمی دیگر، مدرس‌محور یا مؤلف‌محور هستند که از فرایند یادگیری تا ارائه نمایشگاه‌های آثار هنری را

شامل می‌شوند؛ زیرا به نیازها و تجربیات مخاطبان اهمیت می‌دهند و دستیابی به نتایج یادگیری را مؤثرتر می‌سازند. در همین راستا، مخاطب‌محوری نمایشگاه‌های هنری نیز با درگیرکردن مخاطبان بازدیدکننده، فرایند یادگیری و تأثیر و تأثر را پربارتر به ثمر می‌نشانند.

هنر پویا نه تنها مخاطب دارد، بلکه مخاطب‌محور است. این مخاطب‌محوری قادر است به اثر هنری و روابط هنری، ویژگی تعاملی بخشد. از سوی دیگر، موضوع یادگیری و ارتقای کیفیت آن، از جهت قابلیت درک و مانایی مطرح می‌شود که از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه‌ای است؛ به‌ویژه جوامع جوان از قبیل جامعه کنونی ایران اسلامی که پویایی و خلاقیت ذهنی افراد آن، موجب توفیقاتی روزافزون در ابعاد فرهنگی، علمی، اقتصادی و... می‌شود. در فرایند یادگیری، هردو حوزه دانش‌های مربوط به هنر معاصر و روش‌های مناسبی که یادگیری را کارآمد می‌کنند، حائز اهمیت‌اند و حاصل، یادگیری مشارکتی بر محمل هنرهاست.

در دوران سنتی، آثار هنرهای تجسمی در اماکن مسقف اعم از موزه‌ها و... ارائه می‌شدند که هدف اولیه آن‌ها تزئین بود. دوران متمایزپروری مدرنیته نیز سپری شده و دوران پسامدرن با رویکرد عمومی‌کردن هنر، حذف تمایزات و استقبال از خرده‌فرهنگ‌ها، موجب تحولات جدی نمایشگاهی شده است. شرایط موجود، تدوین و اثبات فرضیه‌های نوینی از تعامل‌های اجتماعی را می‌طلبد تا کیفیت تأثیرگذاری‌ها و نیز شاخصه‌های یادگیری متکی بر دانش‌های بین‌رشته‌ای را تبیین کند. نمایشگاه هنری فعال و تعاملی به‌مثابه ابزار یادگیری، قابل‌موشکافی و تحلیل است. همچنین نیازمند ریشه‌یابی تحولات نمایشگاهی هستیم تا بتوانیم دستاوردهای این‌گونه نمایشگاه‌های متفاوت را ارزیابی کنیم.

در طول چهار سال اخیر که این کتاب برای تبیین و تشریح زبان و بیان‌های نوین هنر و تأمین نیازهای آموزشی، تألیف و منتشر شد و مورد بهره‌برداری در کلاس‌های مقطع دکتری پژوهش هنر در درس "زبان و بیان در هنر جدید" قرار گرفت؛ در دیگر رشته‌ها و واحدهای درسی نیز مطابقت‌های زیر مشاهده شد که بر کارآمدی کتاب افزود:

به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی درس «آموزش هنر جدید» در مقطع کارشناسی ارشد نقاشی - دانشگاه الزهراء(س)؛
به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی درس «گرایش‌های جدید در هنر» در مقطع کارشناسی ارشد پژوهش هنر - دانشگاه تهران؛

به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی درس «رسانه‌های نوین بصری» در مقطع کارشناسی ارشد ارتباط تصویری - دانشگاه الزهراء(س)؛

به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی درس «بررسی تطبیقی آموزش هنر در ایران و جهان» در مقطع کارشناسی ارشد پژوهش هنر - دانشگاه الزهراء^(س)؛

به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی درس «موزه و آموزش» در مقطع کارشناسی ارشد موزه‌داری دانشگاه هنر؛

به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی درس «علوم تربیتی و موزه» در مقطع کارشناسی موزه‌داری دانشگاه هنر؛

در فرایند فعالیت‌های آموزشی، نیاز به افزودن پرسش‌هایی از متن کتاب در هر فصل احساس شد تا ادراک مطالب را دقیق‌تر کند؛ از این رو مجموعه پرسش‌های کلیدی و مهم در انتهای متن ویراست اول اضافه شده است که می‌تواند در آزمون پایانی هر نیم‌سال موجب تسهیل کار استاد و دانشجو باشد.

علیرغم تدوین نسخه اول این کتاب در چند سال پیش، همچنان مطالبی به‌روز و جدید در محدوده مکانی بین‌المللی دارد که نیاز به نشر مجدد حوزه‌های بین‌رشته‌ای در زمینه‌های عمومی و کاربردی‌شدن هنرها را حکایت می‌کند؛ به‌ویژه این‌که نقش هنر در حل معضلات اجتماعی، هنر درمانی، حضور هوش مصنوعی در نمایشگاه‌های جدید و موزه‌ها، تأثیر و تأثر بین هنرهای نوین و حوزه‌های یادگیری، هنرهای تعاملی با مخاطب کودک و بزرگسال و سالمند، جایگاه هوش‌های چندگانه در شکل‌های مختلف هنر و تأثیرگذاری و شکل‌دهی جوامع متنوع، حیطه‌های تحت پوشش مباحث کتاب حاضر بوده است.

افزودن نمایه پیش از منابع انتهایی، به منظور تسهیل در تمرکز خوانندگان مطالب کتاب حاضر و جستجوی کلیدواژگان خاص مرتبط با مباحث، ضرورت دیگری بود که انجام شد؛ همین‌طور با توجه به بازخوردهای متعددی که از سوی همکاران ارجمند در دیگر دانشگاه‌ها دریافت شد، پس از تطابق متن پیش رو با شرح درس‌های متعددی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های هنر کشور، محرز شد که این کتاب مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. از جمله آنها موارد عناوین درسی یادشده است که نمایان‌گر علت استقبال دانشگاهیان و ضرورت انتشار کتاب در قالب **اولین ویراست پس از چاپ اول** بوده است.

زهرا رهبرنیا

دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهراء^(س)

z.rahbarnia@alzahra.ac.ir

کتاب حاضر با عنوان تحولات نمایشگاهی هنرها در سایه نظریه‌های یادگیری، امکان انطباق‌پذیری فرایند نمایشگاه‌های فعال هنری، تعاملی و مخاطب‌محور را با نظریه‌های مرتبط در حوزه یادگیری مطرح می‌کند تا با بهره‌مندی از نظریه‌های علمی و آزمایش‌شده، شاهد ارتقای نمایشگاه‌های هنری و شکل‌گیری نظریه‌های نوین یادگیری باشیم.

علت پرداختن به این موضوع، ضرورت تلفیق مبانی نظری حوزه یادگیری و کاربردی آن‌ها در مصادیق هنری است تا با آموزشی‌شدن شکل‌های جدید اجرای هنری، اهداف اجتماعی نیز تأمین شود. در این راستا، توجه به روش‌های نوین یادگیری در دنیا ضروری است. روش‌های آموزش و یادگیری غیرفعال گذشته، در شرایط تحولات اجتماعی نیاز به بازنگری دارند که در دهه‌های اخیر برخی از این روش‌ها به کار گرفته شده و بازخورد آن، نشر یافته است.

چهار فصل کتاب، با عناوین «نمایشگاه‌های هنری»، «نظریه‌های یادگیری مرتبط با محمل‌های هنری»، «تأثیر و تأثر بین نظریه‌های یادگیری و نمایشگاه‌های هنری» و «هنرهای تعاملی مخاطب‌محور در نمایشگاه‌های هنری به مثابه محمل یادگیری» به حیطه‌های متعددی که در این مطالعات وجود دارد، می‌پردازد و کلیدواژه‌های متنوعی را پوشش می‌دهد، از جمله هنرهای تعاملی: شیوه‌های نوین یادگیری، تحولات فناوری، میان‌رشته‌ای‌ها، پسامدرنیته، نقش چندرسانه‌ای‌ها در آموزش و یادگیری، تفاوت‌های فردی.

میان‌رشته‌ای^۱: به دانش‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده یا معضل اجتماعی چندوجهی تلفیق شده است؛ بنابراین، فعالیت‌های علمی میان‌رشته‌ای، زمانی معنا پیدا می‌کنند که شناخت و فهم علمی و دقیق پدیده یا مسئله‌ای پیچیده یا ناشناخته که از ظرفیت و دانش یک رشته یا تخصص خارج است، هدف باشد. دانش‌های میان‌رشته‌ای به تناسب نیازهای جدید و تخصص‌های نوظهور، از مرزهای سنتی میان رشته‌های دانشگاهی یا مکاتب فکری گذر می‌کنند؛ از این رو، دانش‌هایی را که با تلفیق چند علم گوناگون ایجاد می‌شوند

^۱. Interdisciplinary

میان‌رشته‌ای می‌نامند. حوزه‌های یادگیری و هنر، دو حوزه مرتبط و نیازمند به یکدیگرند. هنر در قالب نمایشگاهی و عمومی مبتنی بر نظریه‌ها قابل تحلیل است؛ از دیگر سو، تحلیل نمایشگاه‌های هنری موجب تکمیل نظریه‌های یادگیری می‌شد. به دیگر بیان، تحقیقات میان‌رشته‌ای، نتیجه همکاری دو یا چند رشته دانشگاهی برای حل مسئله‌ای علمی است که در دوران رواج تخصص‌گرایی و در عصری که بین متخصصان رشته‌های مختلف فاصله افتاده است، نگاهی وحدت‌گرایانه به دانش بشری دارد. همچنین درصدد ایجاد ارتباط منطقی بین علوم و پاسخگویی به سؤال‌هایی است که رشته‌های تخصصی به‌تنهایی قادر نیستند جوابی برای آن‌ها پیدا کنند. این رویکرد، به‌دنبال آسیب‌شناسی تخصص‌گرایی محض و آشکارشدن عوارض منفی آن در دهه‌های اخیر اهمیت خاصی یافته و در مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی جهان مطرح شده است.

چندرسانه‌ای^۱: اصطلاح چندرسانه‌ای، به ترکیب رسانه‌های منفرد مانند فیلم، ویدیو، موسیقی، گفتار، عکس، پایگاه‌های اطلاعاتی و جز آن گفته می‌شود که از طریق رایانه به‌صورت محصولی واحد، بر محملی رقمی ذخیره شده باشد. ارائه تعریفی دقیق از نظام چندرسانه‌ای، هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که قرار باشد برنامه‌ها و کالاهای مختلف از لحاظ جنبه‌های چندرسانه‌ای شناسایی و ارزیابی شوند؛ برای نمونه، هرگاه از رایانه برای ایجاد قابلیت‌های تعاملی استفاده شود، تنها می‌توان رسانه‌های مختلف را با یکدیگر ترکیب کرد. البته به هر ترکیب غیرتکنولوژیک معمول نیز چندرسانه‌ای گفته می‌شود. نمونه‌هایی که از نوشتار صرف خارج می‌شوند و با میزان حداقلی از تصویر ادغام می‌شوند، چندرسانه‌ای هستند.

در نظام فرارسانه‌ای، ارتباط منطقی میان عناصر اطلاعاتی مختلف نظیر متن، صوت، تصویر و... از طریق پیوندهای پویا صورت می‌پذیرد و همین امر امکان تعامل و راهبری را برای کاربر میسر می‌سازد. از این‌رو، در برخی منابع، تعاریف مشابهی از نظام چندرسانه‌ای و فرارسانه‌ای ارائه شده است و آن‌ها را از لحاظ ساختار شبکه‌های مفهومی میان اطلاعات مختلف، مشابه یکدیگر دانسته‌اند؛ برای نمونه، با آنکه تلویزیون قادر است هم‌زمان صوت و تصویر متحرک ارائه دهد، از آنجاکه بیننده هیچ امکان اعمال نظر و کنترل بر برنامه‌ها را ندارد، نمی‌توان آن را نظام چندرسانه‌ای تعاملی به‌شمار آورد. حتی قراردادن فیلم یا تصویر متحرک بر محمل‌های رقمی مانند لوح فشرده نیز برای ارائه نظام چندرسانه‌ای کافی نیست؛ زیرا علاوه بر رایانه، امکانات دیگری نیز مانند ابزارهایی برای راهبری، تعامل و ایجاد پیوندهای پویا برای دسترسی کارآمد به اطلاعات در هر نظام چندرسانه‌ای مورد نیاز است.

^۱. Multimedia

پسامدرنیته: واژه پسامدرنیسم در هنر، نخستین بار برای تمییز یک سبک التقاطی در معماری- که از حدود ۱۹۸۰ آغاز شد- به کار رفت. این دوره، علاوه بر اینکه از لحاظ زمانی پس از دوره مدرنیسم رخ داد، در واقع، واکنشی علیه مدرنیسم بود. شاید بهتر باشد که این دوره ضد مدرنیسم نامیده شود. از بین رفتن برخی از مرزهای کلیدی و مهم، ویژگی دیگر پسامدرنیسم است. از جمله این موارد می توان به ازمیان رفتن مرز میان فرهنگ والا و فرهنگ جمعی یا عامه اشاره کرد. از بعد نظری، این مهم ترین تحول شمرده می شود. هنرهای تعاملی: تعاملی بودن را می توان در دو سنت نظری که در ارتباطات مطرح است، بررسی کرد. سنت فکری اول، ارتباطات را جریانی خطی از فرستنده به گیرنده تعریف می کند؛ در حالی که سنت فکری دوم، ارتباطات را فراگردی تعاملی می داند که در آن، افراد نقش مشارکت کننده دارند. به بیان دیگر، آن را فراگردی می پندارد که شرکت کنندگان، اطلاعات را خلق می کنند و در آن سهیم می شوند تا به درک متقابل دست یابند. در عین حال، در عالم هنرها مصداق می یابد.

منابع مطالعاتی ارزیابی شده در راستای نظریه های یادگیری بسیارند و در ایران و جهان روز به روز افزایش می یابند، اما در زمینه این پژوهش و در محدوده تعریف شده در آن، هیچ منبعی یافت نشد. درباره شناخت مؤلفه های پسامدرنیسم در آثار چیدمان های تعاملی نیز منابع پژوهشی به نحوی که مورد استناد باشد، به ندرت یافت شد؛ هر چند مقالات محدودی در زمینه های انگشت شمار در دسترس است و در متن پیش رو، اشاراتی به آن ها می شود. در نتیجه، اگرچه نظریات گوناگون درباره یادگیری نوشته شده است، پژوهشی در زمینه نقش هنر در نظریه های یادگیری مشاهده نمی شود.

در تدوین کتاب حاضر، در کنار منابع حوزه های آموزش و یادگیری، از منابع حوزه های هنر مدرن و پسامدرن استفاده شده است که به شکلی غیرمستقیم، از موارد مرتبط با پیشینه پژوهش محسوب می شوند. در مجموع، درباره پیوند میان نظریه های یادگیری با هنرها و نمایشگاه های هنری، منبعی موجود نیست؛ شواهد فوق، بیانگر نوآوری این پژوهش است که البته همواره جای تکمیل و پختگی بیشتری دارد. در فصل اول کتاب، نمایشگاه های هنری به طور مشروح بررسی می شوند و مفهوم، هدف، تاریخچه و سیر تحولات نمایشگاه های هنری تجسمی و عکاسی، داخلی و بین المللی در گذشته و حال مطرح می شود. سپس به چالش مفهوم هنر در ادوار مختلف در کنار اهداف نمایشگاه های هنری و تغییرات این اهداف در دوران مدرن و پسامدرن پرداخته می شود.

مفهوم جدید کلیت نمایشگاه به‌عنوان اثر هنری، کیوریتور به‌مثابه هنرمند و سپس، فرایند منجر به رویداد هنری در نمایشگاه‌ها- که در پی خروج نمایشگاه‌ها از فضای بسته گالری‌ها و تعامل با مخاطبان در ابعادی کاملاً غیرقابل‌پیش‌بینی به‌وجود آمده است- بررسی می‌شود. کیوریتور یا نمایشگاه‌گردان نمایشگاه‌های تعاملی، درصورت برخورداری از ویژگی‌های مورد انتظار، نقشی فراتر از هنرمند اول ایفا می‌کند و مانند کارگردان، چینش و فرایند ارتباطی و تأثیر و تأثر بین آثار و مخاطبان را طراحی می‌کند. در انتهای فصل اول، مباحث ناپایداری هنرهای تعاملی و اقتصاد هنر، ابعاد همکاری و اشتراک در اجرای هنرهای تعاملی و حقوق معنوی آثاری که خارق‌العاده و غیرمعمول، فراتر از هر جا و در هر زمان نشر می‌یابند، به‌طور مختصر آمده است. بدیهی است هریک از این عناوین، جای بحث بیشتری دارد و روزبه‌روز، وجوه دیگری از آن‌ها آشکار می‌شود که نیازمند تأمل و دقت بیشتری خواهد بود.

با گذر از ادامه مباحث فصل اول این کتاب، شامل مرور نمایشگاه‌ها و حواشی مرتبط با آن‌ها و ورود به مباحث یادگیری، در فصل سوم بستر مناسبی برای مقایسه دو حوزه و تحلیل شرایط انطباق‌پذیری مندرج مهیا می‌شود. در این راستا در فصل دوم، نظریه‌های یادگیری مربوط به ایده اصلی کتاب آمده است. نظریه رفتارگرایی و شناخت‌گرایی با درنظرگرفتن محدودیت یادگیرنده به دنیای طراح برنامه‌ریزی، در عینیت‌گرایان رفتارگرا و شناخت‌گرا مطرح شده است.

اختلالات یادگیری ناشی از استفاده نابجا از ابزارهای دیجیتالی و تفاوت مردان و زنان در یادگیری آنالین، بیانگر اهمیت ظریفی در تکنولوژی جدید یادگیری است. در ادامه، یادگیری منفعل، اطلاعات‌محور و معطوف به معلم در تقابل با نظریه ساخت‌گرایی (سازنده‌گرایی)، برای ورود به مباحث اصلی مربوط به امکان تطابق با اشکال نمایشگاهی هنرها به‌صورت فعال‌ساز یا منفعل‌ساز مخاطبان تبیین شده است. این فصل، برای طرح و معرفی تمامی نظریه‌های یادگیری درنظر گرفته نشده است؛ بلکه در آن، نمونه‌هایی از نظریه‌های منطبق با شاخصه‌های مربوط به فرضیه‌های این کتاب، به‌ویژه اهمیت نظریه ساخت‌گرایی به‌منظور انطباق‌یابی با مباحث بعدی معرفی می‌شوند.

در همین فصل، نظریه مخروط یادگیری ادگار دیل، نظریه هوش‌های چندگانه‌هاوارد گاردنر و نیز نظریه چندرسانه‌ای‌های ریچارد مایر مطرح می‌شود؛ زیرا مباحث کمک‌آموزشی جالب مربوط به یادگیری، به‌همراه نتایج تحقیقات علمی قابل‌اتکا، درجهت عینیت‌بخشی به نمونه‌های مربوط به نمایشگاه‌های هنری تعاملی ضرورت دارد. در این زمینه مطابق با نیاز جوامع فعلی دنیا، پژوهش‌های بسیاری انجام شده و نتایج آن در

قالب مقالات علمی در دسترسی قرار دارد. مطالعه بین‌رشته‌ای در پژوهش پیش‌رو، مسیر تدریجی به‌سوی نمایشگاه‌های تعاملی در انطباق با نظریه‌های یادگیری را مدنظر دارد و پرداختن به رشد و ارتقای متقابل این دو حوزه از علوم انسانی، هدف نهایی تدوین این کتاب است.

نقش چندرسانه‌ای‌ها در یادگیری و پیام‌رسانی، در کنار مدل یادگیری تقاضامحور متکی بر فناوری الکترونیکی، به نظریه ساخت‌گرایی^۱ منجر می‌شود تا نقش مشارکت و تعامل در یادگیری و پیام‌رسانی را مفهوم بخشد. مباحث تفاوت ابزارهای وب در تعاملات دنیای مجازی و نیز اصول چندرسانه‌ای تکمیلی ون مرینبور و کستر، همچنین نقش تعامل در یادگیری مشارکتی، پایان‌بخش فصل دوم است که مدخلی مناسب به مبحث کیفیت نمایشگاه‌های موردنظر این پژوهش به‌شمار می‌رود. نمودارهایی به‌عنوان مدل‌های قابل‌بهره‌برداری از نظریه‌ها، به‌منظور درک بیشتر ارتباط بین ابعاد موضوع، طراحی و درج شده‌اند.

در فصل سوم، برای دستیابی به هدف پژوهش، تأثیر و تأثر میان نظریه‌ها و نمایشگاه‌های هنری، آموزش و یادگیری به‌موازات کار هنری و نیز ظهور مفهوم یادگیری در نمایشگاه‌های هنری مرور می‌شود. یادگیری به روش حضوری و مستقیم، مشابه نمایشگاه‌های هنری سنتی، یادگیری فعال و دانش‌محور معطوف به یادگیرنده (مبتنی بر رویکرد ساخت‌گرایی)، یادگیری به روش تعاملی مانند نمایشگاه‌های هنری نوین، از دیگر عناوین فصل سوم هستند که از طریق آن‌ها، امکان مقایسه روش‌های یادگیری و پویایی موجود در برخی از آن‌ها را به‌منظور قیاس با نمایشگاه‌های متنوع هنری مهیا می‌سازد.

در ادامه فصل سوم، اهمیت عکس و فیلم در مجموعه فعل‌و‌انفعالات هنری، به‌ویژه ماندگارسازی نمایشگاه‌های هنری نوین مطرح می‌شود. حضور و نقش مدرنیته و پسامدرنیته در نظریه‌های یادگیری و نیز نمایشگاه‌های هنری در کنار ابعاد فناوری موجود درجهت یادگیری قوی‌تر، تکمیل‌کننده این مباحث هستند. نکات مهم و تعیین‌کننده در زمینه تفاوت‌های بین اثر و رویداد، اثر و فرایند اجرا و نیز اثر و متن، کلیدهای مهمی برای تفکیک نمونه آثار به‌شمار می‌روند. نمایشگاه‌های مشارکتی و تعاملی با نظریه‌های یادگیری مؤثر در رویدادهای هنری، به‌همراه برخی نمونه‌های دارای سادگی اجرایی و ارائه‌شده در ایران معرفی می‌شود که البته بسیار متنوعند و از جهت پیام و شکل اجرا و... جای تأمل و رشد بسیار دارند.

^۱. Constructionism

در فصل چهارم، هنرهای تعاملی و مخاطب‌محور در نمایشگاه‌های هنری به‌مثابه محمل یادگیری، مبحث پایانی است. همچنین در این فصل، نمونه‌های نمایشگاه‌های هنری داخلی و خارجی با قابلیت یادگیری فعال معرفی می‌شود. این ده نمونه، راهبردها و محمل‌های متنوع، با قالب اجرایی متفاوت دارند. این امر تا حدی بیانگر تکثرگرایی در نحوه ارائه تعاملی برای درگیرکردن بازدیدکنندگان و مشارکت‌کنندگان در این نمایشگاه‌های عمومی و ایده‌محور هنری است. در بخش نتیجه‌گیری، با مدل‌هایی ابداعی در قالب نمودار، ایده اصلی مباحث کتاب جمع‌بندی می‌شود. درنهایت، مدلی برای نمایشگاه تعاملی مطلوب، در انطباق با نظریه‌های یادگیری ارائه می‌شود.

همان‌طور که در پایان پیش‌گفتار اشاره شد، علیرغم سپری‌شدن چند سال از تدوین نسخه اول این کتاب، همچنان مطالبی به‌روز و جدید در محدوده بین‌المللی در این متن وجود دارد. در عین حال، گستره و کارکرد نقش هنر در حل معضلات اجتماعی، هنردرمانی، حضور هوش مصنوعی در نمایشگاه‌های جدید و موزه‌ها، تأثیر و تأثر میان هنرهای نوین و حوزه‌های یادگیری، هنرهای تعاملی با مخاطب کودک و بزرگسال و سالمند، جایگاه هوش‌های چندگانه در شکل‌های مختلف هنر و تأثیرگذاری و شکل‌دهی جوامع متنوع، حیطه‌هایی هستند که تحت پوشش مباحث کتاب حاضر بوده‌اند و بسیار مورد توجه و بهره‌برداری توسط گروه‌های بین‌سازمانی در کشورهای مختلف قرار گرفته‌اند. از این رو در پیوست تکمیلی ویراست جدید، مدخلی ناظر به هنرهای دیجیتالی و هوش مصنوعی در ارتباط با نظریه‌های یادگیری مشاهده می‌شود.

امید است که این کتاب، همچون گذشته مورد توجه هنرمندان، دانشجویان تحصیلات تکمیلی هنر، پژوهشگران حوزه یادگیری، علوم ارتباطات و تمامی اهالی هنر اعم از نمایش‌گردان‌ها و گالری‌دارها قرار گیرد تا ابعاد علمی نمایشگاه‌های هنری نوین تعاملی به‌مثابه ابزار یادگیری رعایت شود و گامی در جهت رشد خلاقیت و در راستای یادگیری پویا، توسط فرایند یا رویدادهای هنری با ارائه ایده نوآورانه هنرمندان برای عموم مخاطبان نیز برداشته شود.

مهم‌تر اینکه تجربه دو سال اخیر ایران و جهان در رویارویی با پاندمی کرونا، تهدیدها و گاهی فرصت‌هایی را برای جوامع مختلف ایجاد کرده است که هنرهای جدید نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند. همواره نقش و تأثیر هنر در آرامش‌بخشی و درمان‌گری در بحران‌ها، قابل اعتنا بوده است. در شرایطی که پژوهشگران حوزه روان‌شناسی، محدودیت‌های اجتماعی ناشی از قرنطینه و اضطراب‌های ابهام‌آمیز چگونگی شیوه‌های درمان و سوگواری‌های انجام‌نشده را موجب آسیب‌های روانی در انسان اعلام می‌کنند و

نسبت به آشکار شدن آسیب‌های این ایام سخت در دوران پسا کرونا هشدار می‌دهند؛ طبیعتاً نیاز به هنرها برای پیشگیری و درمان ضروری‌تر می‌شود. نگاهی به تدابیر هنری متکی بر نظریه‌های علمی و آزمایش شده در دیگر کشورها، می‌تواند نویدبخش هوشیاری سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از این امکان در کشورمان باشد.

واقعیت این است که برای همه مردم دنیا مشکلات فراوانی به وجود آمده و هنرمندان هم از این بحران فراگیر مستثنا نیستند. خیلی از حوزه‌های هنر جنبه برون‌گرایانه دارند؛ چه به لحاظ ماهیت آن حوزه و چه به لحاظ روحیه افرادی که به آن موضوعات می‌پردازند، که در این میان موضوع نیازهای روانی افراد اعم از خالق آثار و یا مخاطبان ایشان، بحث قابل تأملی است. هم‌چنین می‌توان به جای خالی تبادل ارتباطی و آموزش رو در رو بین هنرمند و مخاطب اشاره کرد. برای پژوهشگران هنر هم مشکلاتی مانند نداشتن دسترسی به فضاهای پژوهشی و نیز هنری برای مطالعات میدانی ایجاد شده است. عوامل روانی و روحی هنرمند را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که همچون تمامی اقشار جامعه، دوری‌گزینی اجباری در ایام قرنطینه، در کنار مشکلات معیشتی ناشی از اختلالات در تعاملات هنری، بار سنگینی را بر دوش هنرمند نهاده است.

تبدیل دانش شفاهی هنری به دانش رسمی و مکتوب و تعیینی در حوزه هنر پویا، آمادگی مقابله روانی اجتماعی با بحران، هم در هنرمند و هم در دیگر مردم، خلق سبک هنری جدید در پاندمی کرونا، مقایسه و مرور سیر پاندمی‌های گذشته برای کمک به تاب‌آوری در شرایط حال و البته روبرویی با پیامدهای پاندمی در ایام پسا کرونا، توجه به تغییر رفتارهای فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی و جمعیتی در پژوهش‌ها، بازنگری حرفه‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصاد هنر، مسیریابی برای جلب حمایت‌های دولتی به دانشگاه‌های هنری و تأمین زیرساخت‌های لازم برای آموزش غیرحضوری، پرداختن به مالکیت معنوی محتوای آموزش‌های الکترونیک در حوزه هنر، تهاجم اطلاعاتی فضای مجازی در ایام کرونا، مدیریت دانش در دوران کرونا، عبور از حوزه‌های تکراری تاریخی و نخ‌نما به موازات سوق دادن ظرفیت پژوهشی اعضای هیأت علمی و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی به سمت پژوهش‌های مرتبط با این شرایط و توجه به فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی هنر در دوران کرونا، از جمله موضوعات دیگری بود که از سوی نویسندگان کتاب به‌عنوان اولویت‌های پژوهشی در حوزه هنرهای تجسمی در دوران کرونا ۱۴۰۰ در نشست تخصصی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (پاییز ۱۳۹۹) مطرح شد. بی‌تردید پرداختن به راهکارهای اجرایی مطرح‌شده، با توجه به پشتوانه توانمندی‌های هنرها، یک ضرورت تاریخی و بنیادی خواهد بود.

از سوی دیگر، بحث پذیرش از دست دادن عزیزان است که تا کنون در جامعه برای عوارض بحران چنین سوگی، تدبیری اندیشیده نشده است. بنابراین مجموعه‌ای از نیازهای واقعی و تعینی در کنار نیازهای غیرتعینی مانند نیازهای روانی، عوارض سوگ و فقدان تبادل ارتباطی وجود دارد که نمی‌توانند نادیده انگاشته شوند و نیاز به تدابیری خلاقانه دارند.

البته برای رشد و توسعه چنین خلاقیت‌هایی هنرمندانه و جامعه‌محور، پس از ادراک کافی ضرورت‌ها از سوی متولیان امور برای تأمین بودجه و دیگر امکانات تسهیل‌کننده ظهور ایده‌های نوین در هنر عمومی جامعه محور، نیاز به همراهی و انسجام فعالیت بین سازمان‌های مختلفی در زمینه‌های هنر، فرهنگ و درمان وجود دارد؛ چنین غایتی در کنار رشد هنرها، شکل‌گیری بهینه نظریه‌ها را نیز برای پیشگیری‌های مهم‌تر از درمان در حوزه‌های مختلف اجتماعی دوران جدید در پی خواهد داشت.